

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۲۴ می ۲۰۱۳

در یادمان جانباختگان سوّم خرداد [جوزا] پنجاه!

(پویان، پیروندیزی و صادقی‌نژاد)

جنبش کمونیستی ایران، چند دهه‌ایست که در حسرت مانده است. حسرت نقش‌آفرینی منادیان انقلاب، و حسرت تقویت روحیه اعتراضی جنبش‌های کارگری – توده‌نی. روزی پراتیک پیروان آرمان کمونیستی، چهره جهان و از جمله ایران را زیر و رو نمود، و امروزه شکل و شمایل دیگری به‌خود گرفته است. روزی انقلابات، یکی پس از دیگری، زورگویی را از قدرت به زیر می‌کشید و ندای زندگی بهتر محرومان را سر می‌داد و این‌روزها، جهان شاهد انقلابات از نوع سرمایه‌داران می‌باشد. در حقیقت کمونیسم در دوره‌ای از تاریخ جنبش‌های اعتراضی – کارگری، نماد سر زندگی، جوشش و تحرک رو به جلو بود و علی‌رغم قساوت و درنده‌خوئی نظام‌های غاصب، حرف عملی در مقابل سرمایه‌داران و حاکمان داشت. تاریخ جنبش کمونیستی جهانی و همچنین تاریخ مبارزات نیروهای کمونیستی ایران، در دوره‌ای مملو از سخن‌های امیدبخش و سرشار از پیش‌روی‌ها بود. جدال بس عظیمی در دنیا، مابین کمونیست‌ها و طبقات ظالم و استثمارگر حکم‌فرما بود و تلاش سرمایه‌داران و منفعت‌طلبان هم بر آن بود تا به یمن ارگان‌های سرکوب، انقلاب و انقلابیون را از خواسته‌های به‌حق‌شان پس زنند. به بیانی حفظ، تداوم و پایداری مناسبات کنونی از زمره وظایف عده‌ای مفت‌خوار و سودجوست و در مقابل، تغییر اوضاع دلخواه استثمارگران و شکستن فضای تنگ و خفّاق‌آور حاکم بر جهان کنونی و ایران هم، بر دوش منادیان انقلاب کمونیستی و بر شانه‌های مدافعان بی‌چون‌وچرای منافع کارگران و زحمت‌کشان قرار گرفته است.

مسلم است که، آرمان کمونیستی برای دگرگونی اوضاع رفت‌بار زندگی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده، نوشته شده است و بی‌تردید، وظیفه‌اش تغییر مناسبات ظالمانه سرمایه‌داران می‌باشد. آرمان و کمونیست‌هایی، که با سیاست مدارائی و عقب‌نشینی، سر سازش نداشته و همواره و همواره، مدافع مقاومت، تعرض و پیش‌روی‌ها می‌باشند. تعبیر و تفسیری خلاف آن، به‌معنای توجیه پس‌روی‌های ذهنی – عملی‌ست؛ سیاست کمونیست‌ها، سیاست کرنش و عقب‌نشینی در برابر وضع موجود نیست، سیاست نظارت و حمایت صرف از جنبش‌های اعتراضی نیست، بلکه مدافع عملی در هم ریزی مناسبات سرمایه‌داری‌ست. سیاست و کاری که «امیر پرویز پویان، رحمت‌الله پیروندیزی و

اسکندر صادقی‌نژاد» و دیگر یاران‌شان در دهه خونین، و در دهه سرکوب بی‌امان رژیم شاهنشاهی علیه کارگران و زحمت‌کشان و انقلابیون، پیشه خود ساختند. دهه‌ای که به جرأت می‌توان گفت، دو سر داشت و یک سر آن را سرمایه‌داران و آن‌هم با دم و دستگاه‌های سرکوب‌گراشان تشکیل می‌دادند و سر دیگر آن، به افکار و اعمال کمونیست‌ها وصل بود؛ کمونیست‌هایی که به انتظار شکاف درون سرمایه‌نشسته و با تحرک انقلابی خویش، "آرامش و جزیره ثبات" نظام را بر هم زدند و شکاف بس عظیمی در درون دم و دستگاه‌های رژیم سرکوب‌گر پهلوی به وجود آوردند، و به تبع آن‌ها یأس و تسلیم‌طلبی مدافعان به اصطلاح منافع کارگران و زحمت‌کشان را پس زدند و بدون کمترین ترس و واهمه‌ای، راه به پیش را انتخاب نمودند.

باری، سازمان مدعی پیشاهنگی آن‌زمان، سازمان تعرض، سازمان به پیش و سازمان رادیکالیزه نمودن جنبش‌های اعتراضی بود؛ سازمانی بود که افکارش با سیاست عقب، نزدیکی نداشت و راه صحیح و منطبق با قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه را انتخاب نمود و از تعرض به دشمن باز نماند و نقبی بر قدرت تاریخی توده‌ها زد. بالطبع و در این‌میان رژیم سرکوب‌گر پهلوی هم بنابه ماهیت و رسالتش از یورش به کارگران و زحمت‌کشان و فرزندانش باز نماند و با تمام قواء به جان کمونیست‌ها و مبارزان افتاد. به بیانی دیگر، نه ددمنشی‌ها و اعمال رژیم شاهنشاهی از صفحات تاریخ حذف شده است، و نه افکار و اعمال کمونیست‌هایی همچون «پویان‌ها، پیروندیزی‌ها و صادقی‌نژادها» و دیگر انقلابیون، از اذهان عمومی و حافظه تاریخی رخت بر بسته است. خلاف نظر کوتاه اندیشان نمی‌توان چندین دهه جنایات رژیم پهلوی را نادیده گرفت و همچنین دوره پُرثمر جنبش نوین کمونیستی را از قلم انداخت. در حقیقت افکار و فعالیت‌های عملی اثربخش کمونیست‌های دهه چهل، نه تنها، به تاریخ نپیوسته است، بلکه حرف و حدیثی انرژیزا، در درون جامعه دارد؛ حرف و حدیثی که با پی‌گیری عملی آن رخت کنونی بر چیده و مانع تعرض بی‌رویه ارگان‌های سرکوب‌گر رژیم جمهوری اسلامی به جان و مال توده‌های ستمدیده خواهد شد.

بدون شک در آن دهه، هدف رژیم شاهنشاهی به سیاق تمامی رژیم‌های خشن و عریان، دستگیری کمونیست‌ها و شکنجه آنان از یک‌طرف، و طولانی‌تر نمودن عمر سکوت جامعه و تسلیم‌طلبی به اصطلاح مدافعان توده‌های محروم از طرف‌دیگر بود. به همین دلیل ساواک این ارگان مخوف و حافظ بقای سلطه امپریالیستی در هر کوچه و پس‌کوچه‌ای، و در هر خانه و میدانی، در پی کشف و سرکوبی مبارزان و کمونیست‌ها بر می‌آمد تا انقلاب ایران را از مسیر اصلی‌اش باز دارد؛ می‌کوشید تا با گسترده‌گی تور اختناق، هر جنبه‌ای را در نطفه خفه سازد و مانع تحركات انقلابی و تأثیرگذار کمونیست‌ها در درون جامعه گردد. در چنین دورانی بود که، سیاست پرولتری تعرض و جدال رو در رو برای باقی ماندن، به‌جای سیاست سکوت، بی‌عملی و تسلیم‌طلبانه نشست؛ تعرض و جدالی که بر تقویت روحیه مبارزاتی توده‌های ستمدیده و روشن‌فکران افزود و همچنین خواب آرامش را از چشمان منادیان سرمایه ربود. در چنین دورانی بود که روزنامه‌ها و ارگان‌های تبلیغی رژیم، دائماً خبر از درگیری‌های خیابانی و خانه‌های تیمی چریک‌ها و دیگر مبارزان، در درون جامعه می‌دادند؛ در چنین دورانی بود که، این سؤال در اذهان عمومی نقش می‌بست که کیستند اینان؟ چگونه و چرا با چنین صلابتی در مقابل رژیم تا بُن دندان مسلح ایستادند و فضای تعرض و پیش‌روی را جای‌گزین پس‌روی‌ها و تسلیم‌طلبی‌ها نمودند؟

در حقیقت شکل و شمایل جامعه، با فعالیت‌های عملی منادیان انقلاب تغییر یافت و در این اثناء، جنبش‌های اعتراضی – روشن‌فکری پاسخ صحیح خود را باز یافتند و پی بُردند که کمونیست‌ها و جوانان علی‌رغم سرکوب عنان‌گسیخته، و علی‌رغم فقدان امکانات مبارزاتی و در عوض، با ایمانی سرشار از امید و پیروزی، به‌میدان آمدند و رژیم سراسر جنایت و خشن شاهنشاهی را به‌مصاف طلبیدند. پی بُردند که می‌توان در برابر دشمن تا بُن دندان

مسلح بپاخاست و آنان را پس زد. به جرأت می‌توان گفت که آن روزها و آن دهه، روزها و دهه امیدبخش بود؛ روزها و دهه‌ای بود که علی‌رغم خسران‌های جانی، نوید دهنده رهایی و سر زندگی مبارزاتی بود و بی‌گمان سوّم خرداد [جوزا] پنجاه را می‌توان، یکی از زمره، آن روزها دانست؛ در این روز بود که سه چریک فدائی خلق (پویان، پیروندیزی و صادقی‌نژاد) در نبردی بی‌امان و در خانه تیمی با نیروهای سرکوبگر رژیم شاهنشاهی، تا آخرین گلوله و نفس جنگیدند و گشتند و سر آخر جان خود را از دست دادند؛ ایستادند و سیاست عقب را پس زدند و به انتظار شکافِ درون طبقه حاکمه نشستند و خللی بس عظیم در درون نظام سراسر جهل و سرکوبگر وارد ساختند. با این اوصاف بر دو موضوع می‌توان، در چهل و دومین سالگرد جان‌باختن رفقاء «پویان، پیروندیزی و صادقی‌نژاد» تأکید ورزید. اوّل این‌که سیاست و اعمال امروزی کمونیست‌ها، با سیاست و اعمال کمونیست‌های اواخر دهه چهل و نیمه اوّل دهه پنجاه، بسیار و بسیار متفاوت می‌باشد. دوّم این‌که، علی‌رغم کج‌روی‌ها و درک به غایت ناصحیح بعضاً اپوزیسیون خارج از کشور، نظام‌هایی همچون شاهنشاهی – به دلیل یکسانی ماهیت با رژیم کنونی –، هیچ جایگاه و مقبولیتی در میان مردم نداشته و خلاف "نادانان خلق"، بازگشت به آن نظام‌ها و آن‌هم با هر عنوانی، به‌معنای تداوم فقر و بردگی میلیون‌ها انسان محروم و همچنین ادامه تعرض به کمونیست‌هاست؛ بازگشت به چنین مناسبات و روابطی، به‌معنای خلق روزهایی همچون سوّم خرداد پنجاه می‌باشد. این نظام‌ها کهنه‌اند و باید به تاریخ سپرده شوند و تکرار یک‌روزه آن‌ها، به‌معنای عقب‌گرد و خانه‌خوابی کودکان و دیگر اقشار محروم جامعه می‌باشد. در حقیقت این نظام‌ها در عمل، امتحان خود را پس داده‌اند و آزمون دوباره آن‌ها، چیزی جز تداوم مناسبات کنونی و آن‌هم در ابعادی دهشتناک‌تر نیست. بر مبنای چنین واقعیات و تجارب به جا مانده، بر هر عنصر و تجمع مدعی حمایت توده‌هاست که در برابر سیاست‌های مماشات‌طلبانه اپوزیسیون ایستادگی نموده و ماهیت به غایت غیر انسانی و استثمارگرانه نظام گذشته را هر چه بیش‌تر بر ملا سازد. لازم است تا به سهم خود اعمال سرکوب گرانه رژیم شاهنشاهی را ردیف نماید تا نسل جوان امروزی بداند که نظام گذشته چه بر سر کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان آورده است. به بیانی واقعی‌تر نظام گذشته در حق توده‌های ستمدیده مرتکب آن‌چنان جنایاتی شده است که نه فراموش شدنی‌ست و نه می‌توان به دلیل کثرت جنایات رژیم جمهوری اسلامی، کارکرد خون‌بار آن را نادیده گرفت و به نادرست آن نظام را به‌عنوان نظام "معتدل‌تر" و "معقول‌تر" از نظام کنونی، به دنیای بیرونی معرفی نمود. نظامی که در پرونده خود سرکوب صدها اعتراض کارگری - توده‌ئی را دارد؛ نظامی که با سرکوب و با دستگیری، و با اعدام کمونیست‌ها و مبارزان زنده بود و بالاخره، نظامی که مولد روزهای غم‌انگیز، و روزهای سراسر خونی همچون سوّم خرداد پنجاه بود.

یاد رفقای سوّم خرداد و همه جویندگان راه رهایی گرامی باد!

۲۳ می ۲۰۱۳

۲ خرداد ۱۳۹۲